

بررسی علل تاثیرگذار بر تعامل مشارکت مردم و کارکرد مجلس شورای اسلامی در توسعه کشور

مسعود مطلبی^۱

علی جوانمرد^۲

چکیده:

توسعه و پیشرفت هر کشوری تحت تاثیر عوامل مختلفی اعم از داخلی و بین‌المللی قرار دارد. در چارچوب عوامل داخلی می‌توان به نقش مردم در حاکمیت و اداره کشور اشاره کرد. در واقع مشارکت بیشتر مردم در سیاستگذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها همچون مجلس باعث ارتقای آن نهاد تصمیم‌گیرنده در مدیریت کشور می‌شود. سوال و هدف محوری این پژوهش تاثیر مشارکت کیفی مردم در انتخابات مجلس و توسعه همه جانبه کشور است. در چارچوب حکمرانی مطلوب و مشارکت مردم می‌توان گفت که در راستای بهبود قانون مداری، شفافیت، اثر بخشی و اعتماد زایی و همچنین عدالت اجتماعی مجلس شورای اسلامی نقش محوری در توسعه کمی و کیفی کشور دارد. به عبارت دیگر تعامل سازنده مردم و مجلس علاوه بر ارتقای کیفی قانونگذاری‌ها از سوی مجلس، باعث نهادینگی پاسخگویی مجلس، اعتماد بین حاکمیت و مردم، کاهش هزینه‌ها و همچنین جلوگیری از بحران نفوذ و انگیزش در کشور می‌شود.

واژگان کلیدی: مشارکت، ایران، مجلس، توسعه، حکمرانی مطلوب

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر، گلستان، ایران: نویسنده مسئول

Mmthp2006@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

طرح مساله

یکی از راه‌های بیان خواست‌ها و ورود افراد در فرایند سیاست‌گذاری، شرکت آنها در انتخابات است. انتخابات صحنه رقابت آمیزی برای اداره امور بر مبنای تعیین رسمی اولویت‌ها توسط مردم است که پس از پیروزی نامزدهای انتخاباتی این خواست‌ها و نظریات در تصمیمات جمعی ترکیب می‌شوند. انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت، بروندادی سیاسی دارد. به همین جهت است که برای اهل اندیشه است. ثبات و پایداری همواره یکی از مهمترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی هر کشور گرایش دارند که نظام سیاسی خود را حفظ کنند.

رفتار انتخاباتی به عنوان یک کنش رفتار اجتماعی - سیاسی یکی از سازوکارهای اصلی مشارکت سیاسی افراد در جامعه است. مشارکت سیاسی نوعی فعالیت ارادی و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور سیاسی - اجتماعی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات سیاسی - اجتماعی خویش سهیم می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران یکی از بالاترین آمار در صدر مشارکت مردم در انتخابات را در بین کشور-های جهان داراست. تجربه نشان داده است در ط ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی انگیزه‌های متفاوتی باعث مشارکت مردم بوده است. اگرچه مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی همواره قابل ملاحظه و بعضاً چشمگیر هم بوده است. سوال اصلی این است چه تمایزها و شباهت‌هایی بین مشارکت مردم در نهمین و دهمین انتخابات مجلس به‌خصوص در شهر تهران بوده است.

انتخابات جریانی رسمی است که هر گام آن از پیش تعیین شده می‌باشد. انتخابات برای تصمیم‌گیری مردم یا بخشی از مردم است که شخص یا اشخاصی را برای مقام، پست یا مسئولیتی و برای مدتی معلوم با ریختن رای خود به صندوق‌های انتخاباتی می‌گزینند. هدف اصلی از انتخابات سیاسی انتخاب نمایندگان مردم می‌باشد که به آن دموکراسی نمایندگی می‌گویند. در مشارکت سیاسی مسأله اینست که چه عواملی مردم را به شرکت در انتخابات بر می‌انگیزاند اما در بحث رفتار شناختی رای دهندگان پرسش این است که چه عاملی باعث می‌شود رای دهندگان به این تصمیم برسند که به حزب یا شخص خاص رای دهند. آندره زیگفريد را نخستین کسی می‌دانند که در میان دو جنگ جهانی به بررسی رفتار رای دهندگان فرانسوی پرداخت اما شناخته شده‌ترین تحقیقات از سوی مرکز تحقیقات میشیگان انجام شده است. به تدریج بررسی نتایج انتخابات کشورهای مختلف، نمایی کلی از جناح بندی‌های سیاسی را در نقاط مختلف کشورها نشان می‌داد. بر این اساس بسیاری از محققان انتخاباتی به عنصر جغرافیا به‌عنوان یک عامل مهم توضیح دهنده رفتار رای دهندگان توجه نمودند. بنابراین موضوع جغرافیای انتخابات

مطرح شد. در هر کشوری علل و عوامل مختلفی در جهت‌گیری آرای مردم تأثیرگذار هستند. این موضوع در مورد انتخابات ایران نیز وجود دارد. در واقع می‌توان گفت که جهت‌گیری آرای مردم ایران در همه انتخابات به‌خصوص انتخابات ریاست جمهوری تحت تأثیر متغیرهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ماهیت انتخابات، نوع کاندیداها، شرایط زمانی و... قرار دارد. اما آنچه که از اهمیت خاصی برخوردار است، این است که مولفه‌های دینی در انتخابات جمهوری اسلامی ایران از چه جایگاهی برخوردار بوده است، این موضوع از آن جهت اهمیت می‌یابد که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس عنصر و جوهر دین تشکیل شده است و ارزش‌های دینی نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی مردم، ساختار سیاست در ابعاد مختلف از جمله انتخابات، تبلیغات انتخاباتی، شرایط کاندیداها و گروه‌های سیاسی دارد. با توجه به اینکه انتخابات هفتم و نهم ریاست جمهوری در ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و با ویژگی‌های خاصی همچون رقابت شدید کاندیداها و گروه‌های سیاسی، چالش‌ها و ... مواجه بوده است.

تکنولوژی همواره زندگی بشر را دستخوش عمیق‌ترین دگرگونی‌ها کرده است. به تبع این دگرگونی‌ها عرصه‌ی ارتباطات بینا- فردی و اجتماعی نیز تغییر کرده‌اند. انسان اجتماعی شده، ناگزیر از ارتباط است و برای ایجاد ارتباط نیازمند رسانه. تکنولوژی‌ها همواره ماهیت رسانه‌ها را سامان بندی کرده‌اند. انسان با این پیش زمینه پا به عرصه‌ی ارتباطات می‌نهد تا پیامی را برساند، چیزی را بخواهد یا دیگری/دیگران را به انجام کاری ترغیب کند. پس یکی از کارکردهای رسانه می‌تواند کارکرد سیاسی باشد. رسانه‌های نوظهور به دلیل مرزگریزی و عدم وابستگی‌شان به محدودیت‌های فیزیکی اقبال بیشتری نزد کاربران دارند. امواج فراگیر اینترنت و مایکروویو می‌توانند در هر لحظه حامل هزاران پیام با محتوای سیاسی باشند. اینجا دیگر بحث از یک رسانه نیست، صحبت از یک اجتماع است. اجتماعی که حول نحوه‌ی جدیدی از ارتباطات شکل گرفته است.

پیشینه تحقیق

گرچه در طول سه دهه گذشته کتب و آثار مختلفی درباره انتخابات در ایران نگاشته شده است. چنانکه می‌توان به کتاب انتخاب هفتم، انتخاب نهم ریاست جمهوری اشاره کرد. همچنین می‌توان به کتاب‌هایی همچون رفتار انتخاباتی در ایران؛ الگو و روندها به نگارش دکتر دارابی و مقالاتی همچون بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری، محرومیت نسبی و چرخش رای مردم در انتخابات دوم خرداد می‌توان اشاره کرد. می‌توان به کتاب جناح‌های سیاسی در ایران نوشته سعید برزین اشاره کرد. در این اثر نویسنده به مفهوم جناح سیاسی و تاریخ

شکل‌گیری و چگونگی شکاف در جریان‌های سیاسی عمده در تاریخ جمهوری اسلامی پرداخته است. همچنین ظریفی نیا در کتاب کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایرا تا ۱۳۷۸ و حجت مرتجی در کتاب گروه‌های سیاسی در ایران و دکتر دارابی در کتاب جریان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به تاریخ گروه‌های سیاسی در ایران به در ابعاد معرفتی و سیاسی پرداخته است و نگرش گروه‌های سیاسی به مسایل مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین می‌توان به کتاب علی امینی با عنوان جایگاه عقلانیت، عواطف و وابستگی‌های قومی در رفتار انتخاباتی رأی دهندگان شهر زنجان در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. در هیچ کدام از این آثار به موضوع دهمین انتخابات مجلس اشاره نشده است.

در خصوص احزاب و نیروهای سیاسی موضوعات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است متفکران غربی هم چون موریس دوورژه، لئون اپستین، ماکس وبر، لیپسیت و لیکاکي و گتل و... که بر مسائل احزاب سیاسی مطالبی عرضه کرده‌اند و متفکرانی داخلی همچون حسین بشیریه، عباس شادلو، احمد نقیب زاده، سعید برزین، حسینعلی نودری، جواد اطاعتی نیز پیرامون مباحث احزاب سیاسی، جناح بندی سیاسی و نظام‌های حزبی کتابها و مقالاتی را منتشر نموده‌اند. که در منابع داخلی نیز بیشتر چگونگی پیدایش و کارکرد احزاب مورد توجه بوده است. احمد نقیب زاده در کتاب احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ بیشتر پیرامون پیدایش احزاب سیاسی کارویژه احزاب و گونه‌های احزاب پرداخته است و معتقد است که هیچ جامعه‌ای نتوانسته است دموکراسی را بدون وجود احزاب حفظ و توسعه دهد و بنا به طبیعت منازعه انگیز خویش بعضا با شکاف‌های موجود در بدنه جامعه تطابق پیدا کرده و سپس آنها را متحول کردند و هر یک نمایندگی یک جریان اجتماعی و سیاسی را در دست گرفتند. حسینعلی نودری، در کتاب احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی معتقد است که احزاب سیاسی در ایران روند تکامل طبیعی نهادین خود را طی نکرده‌اند و حاصل مبارزات صنفی- سیاسی تاریخی نبوده‌اند بلکه در پی تحولات اجتماعی سریع انقلاب‌ها، تغییر دولت‌ها نیز سر برآورده‌اند و عمر این احزاب بسیار کوتاه است و معمولا با ظهور دولت ظاهر می‌شوند و با سقوط یا خاتمه دوره قانونی آن عمر آنان نیز خاتمه می‌یابد و ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهند.

محسن میرشانه‌چی، در مقاله‌ای تحت عنوان تحزب و توسعه سیاسی در ایران در ادوار اول و دوم که به تشکل‌های به نام حزب سیاسی و کاوریه احزاب پرداخته است و معتقد است که حزب سیاسی مولود دموکراسی‌های غربی یا همزاد این دموکراسی‌هاست و فضای غیردموکراتیک و توسعه نیافتگی سیاسی مانع اصلی بر سر راه تشکیل و تداوم حزب سیاسی ظاهر می‌شوند. توسعه سیاسی و ظهور و بروز دموکراسی نیز گرچه در ایران به طور کامل و به گونه‌ای نهادینه و

برخوردار از ثبات و اقتدار تحقق نیافته بود. اما باز ادواری از تاریخ معاصر را مشمول توسعه نیافتگی سیاسی نسبی و نیل به نوعی دموکراسی می‌داند.

موریس دوورژه در مقدمه کتاب احزاب سیاسی در سابقه‌ای از احزاب نوشته است در ۱۸۵۰ هیچ کشوری در عالم (به استثنای ایالات متحده امریکا) دارای حزب سیاسی به معنی نوین کلمه نبود. البته در بسیاری از کشورها، مراکزی برای تبادل نظر، باشگاه‌هایی جهت اجتماع مردم، انجمن‌هایی برای بیان اندیشه‌ها، گروه‌هایی در چهارچوب امور پارلمانی وجود داشت، اما هیچ‌کدام از این مجامع به معنی خاص حزب نبود یک قرن بعد، یعنی در ۱۹۵۰ در اکثر کشورها احزاب سیاسی وجود داشتند و در کشورهای دیگر کوشش می‌کردند از روش کار کشورهای دارای سیستم حزبی تقلید نمایند. یکی از این کشورها ایران بود. تقریباً از سال ۱۹۰۰ به این طرف که بعضی افراد با غرب ارتباط پیدا کردند و در کشورهایی مثل فرانسه یا انگلیس مشغول تحصیل شدند و به ویژه در دهه اول قرن بیستم، که انقلاب مشروطیت در ایران به نتیجه رسید و مجلس شورای ملی تأسیس گردید، آرام‌آرام گروه‌هایی همفکر به وجود آمدند که به خود عنوان حزب دادند.

مشارکت سیاسی در چشم انداز نظری

گرچه نمی‌توان ادعا کرد که مشارکت فی‌نفسه باعث ایجاد دموکراسی می‌شود، اما تعریف دموکراسی بدون مشارکت نیز چندان پذیرفتنی نیست. در معنای عام کلمه "مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای رسیدن به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک باشند" (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۹۲) در این تعریف دو مؤلفه برساننده کلیدی وجود دارد: یاری دادن و پذیرش مسئولیت. یاری دادن اشاره به این دارد که مشارکت دادوستد اجتماعی دوسویه‌ای است میان مردم و کارگزاران فعال در عرصه‌های سیاسی اجتماعی و ... نه صرفاً روش قبولاندن اندیشه‌های بالادستی. ممکن است که جهت‌گیری این دادوستد نیل به سمت اندیشه‌های بالادستی کند اما الزاماً در مقام کارگزار این اندیشه‌ها عمل نمی‌کند. مسئولیت‌پذیری به این امر اشاره دارد که مشارکت، اشخاص را بر می‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶) مشارکت در یک فرایند ممکن است تبعاتی را به دنبال آورد که در ابتدا گمان آن نمی‌رفت. در یک مورد یعنی آلمان در سال ۱۹۳۳ گسترش بی‌سابقه مشارکت سیاسی به نابودی دموکراسی و پیروزی فاشیسم انجامید. (بشیری، ۱۳۸۲: ۳۷۸) نظریه پردازان و پژوهشگران سیاسی با پشتوانه‌های فکری متفاوت، خواه چپ، راست یا میانه، همواره مفهوم مشارکت را در کانون مباحث خود قرار داده‌اند؛ به همین دلیل مشارکت فارغ از یک مفهوم نظری یک اصل بدیهی در عرصه سیاست است. آنچه تعاریف را از هم متمایز می‌سازد نحوه فراخوان مردم به مشارکت و پی‌آمدهای این مشارکت است.

مشارکت را می‌توان به دو گونه سنتی و جدید تقسیم کرد. مشارکت سنتی بر اساس عرف، عادت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادهای خودجوش وجود دارد. این مشارکت لزوماً برآمده از سبک زندگی مدرن و اجتماع‌های عصر جدید نیست. مشارکت جدید محصول محرکی بیرونی است. این محرک می‌تواند از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاصی وارد می‌شود. (علوی-تبار، ۱۳۸۲: ۵۱)

هنگامی که از مشارکت سخن به میان می‌آید، نخستین شیوه‌ای که از مشارکت به ذهن‌خطور می‌کند مشارکت سیاسی است و این تداخل معنایی یکی از دشواری‌های پژوهش در حوزه مشارکت است. ممکن است این بدان دلیل باشد که عرصه سیاست امروزه فراگیرترین عرصه زندگی عمومی افراد است. در حقیقت مشارکت سیاسی اعضای یک جامعه بازتابی از میزان تعلق خاطر آن اعضا به ساختار سیاسی کشوری است که در آن زندگی می‌کنند. مشارکت سیاسی در حقیقت به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت آمیز میان بخش‌های مختلف جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی است. (بشیریه، ۱۳۸۳) یکی از نخستین تعاریفی که از مشارکت سیاسی در متون علوم سیاسی مطرح شده است، تعریف وربا و نای^۱ از این مفهوم است. این دو متفکر مشارکت سیاسی را فعالیت‌هایی می‌دانند که شهروندان یک جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در مقیاس‌های مختلف برای اثرگذاری بر انتخاب اعضای دولت و برنامه‌های آنان انجام می‌دهند (وربا و نای، ۱۹۷۹) مایرون وینر مشارکت سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: "هر نوع اقدام داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بی-سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تاثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد". (وینر، ۱۳۸۰: ۲۴۷) وینر در ادامه سه شاخصه کلیدی را برای تحقق مشارکت سیاسی شهروندان ضروری می‌داند. این سه شرط به این قرار هستند: الف) مشارکت با نوعی اقدام به‌وسیله شهروندان همراه باشد؛ منظور از اقدام همان کنش است. یعنی شهروندان نه به معنی بی‌تفاوتی نسبت به رویدادهای جاری بلکه فعالیتی معطوف به عمل باشد. ب) اقدامات شهروندان داوطلبانه باشد؛ بی تردید مشارکت مردم در امور سیاسی چنانچه از روی اجبار یا ارباب باشد نمی‌تواند عملی داوطلبانه به حساب آید. حتی در صورتی که حکومت از ابزارهای نظارتی یا بروکراتیک خود برای حاضر کردن شهروندان در پای صندوق‌ها استفاده کند هم نمی‌توان این مشارکت را داوطلبانه دانست. ج) شهروندان دارای حق انتخاب مقامات دولتی باشند. به این معنی که این حق را داشته

^۱-Verba and Nie

باشند که از بین چند گزینه دست به گزینش مقامات حکومتی بزنند، نه به مانند اتفاقاتی که در زمان حکمرانی صدام حسین در عراق یا معمر قذافی در عراق شاهد بودیم (همان: ۲۴۸) سیمور مارتین لیپست نیز شکل‌های مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: شکل‌های متعارف مشارکت سیاسی، علاوه بر رأی دادن، عبارتند از: شرکت در مبارزه سیاسی، همکاری با دیگران برای حل مسائل محلی و کوشش برای تحت تأثیر قرار دادن سیاستمداران و جلب کردن توجه آنان به مسائل مورد توجه اشخاص. (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۴۲) البته اینها شکل‌های متعارف مشارکت سیاسی هستند و لیپست به شیوه‌های نامتعارف مشارکت سیاسی مانند اعتراض و شورش را نیز اشاره می‌کند. برادول و کانوی نیز تعریفی مشابه ارائه می‌دهند. به نظر این دو هر عمل که با انگیزه سیاسی انجام شود، مانند رای دادن، کمک‌های مالی و ارائه امکانات، عضویت در احزاب سیاسی، تلاش برای کسب یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راه‌پیمایی‌ها و اعتراضات خشونت‌آمیز و امثال این‌ها مصادیق مشارکت سیاسی هستند. (برادوی و کانوی، ۲۰۰۴)

از نظر واکاری و اولسون مشارکت سیاسی می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد که می‌توان تعریفی تاریخی یا فرهنگی از آن ارائه کرد. به همین روی آنان دو نوع مشارکت را از یکدیگر تفکیک می‌کنند. مشارکت فعال و مشارکت غیرفعال. اولی کمک در اخذ یک تصمیم، دخالت فعالانه و تأثیرگذار و اعمال نفوذ بر امور سیاسی است و دومی نشان دادن همانندی، همراهی و پیروی از یک گروه برای تداوم رابطه با یک گروه، برای کسب رضایت‌مندی و خوداظهاری. مشارکت غیرفعال الزماً نیازمند درکی مدرن و اجتماعی شده از کنش سیاسی نیست، بلکه این نوع مشارکت را در قبایلی که خارج از حوزه‌های جهان پیچیده امروز هستند نیز قابل مشاهده است. بنابراین مشارکت کنشی است که با ساختار قدرت، سلسله مراتب و وابستگی به این سلسله مراتب و قدرت ارتباط دارد. از همین‌رو به ندرت "دموکراتیک" است. بیشتر مشارکت کنندگان، مشارکتی منفعل دارند و تنها عده محدودی هستند که به صورت فعالانه در مشارکت سهیم هستند. (واکاری و اولسون، ۲۰۰۵)

مدل‌های مشارکت

اندیشمندان حوزه علوم سیاسی برای تبیین و درک رفتارشناسی سیاسی مردم دست به طراحی و مدل‌های مشارکت سیاسی مختلفی زده‌اند. برخی از این مدل‌ها را به اختصار توضیح می‌دهیم:

مدل اراده‌گرایی مدنی: در این مدل، ایده بنیادین میزان مشارکت مردم است. در این مدل دلیل عدم مشارکت مردم این فرض است که آنان منابع لازم را در اختیار ندارند و یا به دلیل بی‌علاقگی به مسائل سیاسی روی خوش نشان نمی‌دهند و یا به طور کلی تلاشی برای جلب نظر

آنها به سمت امور سیاسی انجام نگرفته است.

مدل انتخاب عقلانی^۱: برای تحلیل مشارکت سیاسی بر اساس این مدل و مغایرت هزینه مشارکت جمعی و تحصیل منافع فردی به آستانه تحول توجه می‌شود که بیانگر آن است که وقتی هزینه مشارکت در کنش جمعی کم باشد، افراد احتمالاً هزینه‌ها را نادیده می‌گیرند. از نظر بیشتر افراد شاید مشارکت در اموری مانند انتخابات هزینه زیادی را به آنان تحمیل نمی‌کند، بنابراین علیرغم این واقعیت که دستاورد مادی مستقیمی برایشان ندارد در آن شرکت می‌کنند.

مدل روانشناختی اجتماعی^۲: این مدل بیشتر از اینکه به اشکال متعارف مشارکت سیاسی توجه داشته باشد، اشکال نامتعارف مانند شورش و اعتراض را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این مدل توجه ویژه‌ای به هنجارها و ارزش‌های مورد تاکید جامعه می‌شود و به تبیین رابطه بین گرایش به این هنجارها و ارزش‌ها و مشارکت سیاسی می‌پردازد.

مدل بسیج^۳: در این مدل تاکید بر آن است که افراد با توجه به فرصت‌های سیاسی موجود در محیط و نیز با توجه به انگیزه‌ای که توسط سایر نهادها و عوامل بیرونی در آنها به وجود آمده در امور سیاسی مشارکت می‌کنند. این مدل، مبنای عقلانی برای مشارکت سیاسی را تا حد بسیار زیادی نادیده می‌گیرد و نگرشی تقلیل‌گرایانه به اراده فردی اعضای جامعه دارد.

مدل انگیزه‌های عمومی^۴: بر اساس این مدل تمایل بالای افراد جامعه به مشارکت در امور سیاسی متمرکز بر وابستگی‌های آنها است. در حقیقت این نظریه با نگرشی التقاطی از دو نظریه انتخاب عقلانی و روانشناختی اجتماعی را برای تشریح مشارکت سیاسی افراد استفاده می‌کند. به بیانی موجز، این نظریه می‌گوید که کنشگران و مشارکت‌کنندگان سیاسی نیاز دارند تا از سودمندی انگیزه‌های خود در فرایند سیاست اطمینان حاصل کنند. (وایتلی و سید ۲۰۰۲: ۳۷-۵۷)

کارکرد مجلس

کارکردها و فایده‌مندی‌های مختلفی برای مجالس امروز بیان می‌شود که برخی از این کارکردها با توجه به وظایف تعریف شده همچون قانونگذاری و نظارت بر امور می‌باشد، ولی برخی دیگر با توجه به ماهیت مجلس شکل می‌گیرد. با توجه به افزایش آگاهی و شناخت مردم از مجلس است که از یک سو مشارکت مردم در انتخابات مجلس افزایش می‌یابد و از سویی دیگر، انتخاب مردم با توجه به معیارها و ملاک‌های علمی و منطقی و مبتنی بر مصالح ملی شکل می‌گیرد.

1. Rational Choice

2. Social Psychological

3. Mobilization

4. General Incentives

از زمان شکل‌گیری اولین مجلس کنونی - که در کشور انگلستان ایجاد شد- تاکنون ما با انواع مختلف مجلس و سیر تحول ساختاری و کارکردی آن مواجه بوده‌ایم. گرچه مجالس تأسیس شده تا سده شانزدهم بیشتر بر اساس شرایط خانوادگی، قومی و ... بودند ولی مردم نقش چندانی در این مجالس نداشتند، ولی از زمان ایجاد مجلس مردمی و مبتنی بر آراء و مشارکت همه مردم اهمیت مجلس دوچندان شد و به تدریج مردم به نقش، وظایف و کارکردهای آن حساس شدند. البته برخی از کارکردهای آن کاملاً مشخص می‌باشد. بخصوص قانونگذاری که فلسفه وجودی را شکل می‌بخشد. اما برخی دیگر از فایده‌مندی مجلس با توجه به ماهیت و ساختار آن به وجود می‌آیند. به طور کلی کارکردهای مجلس عبارتند از:

الف- کارکردهای تعریف شده:

- قانونگذاری در تمامی امور
- بحث و مذاکره
- برگزاری انتخابات شوراها (در برخی کشورها از جمله ایران) با همکاری دیگر نهادها از جمله وزارت کشور

- رسیدگی به شکایات مردم (رسیدگی سیاسی نه حقوقی)
- تصویب بودجه
- تأیید وزرا، پاسخگویی از آنها و استیضاح و عزل وزرا
- پاسخگویی و عزل رئیس جمهور و ...

ب- کارکردهای ماهیتی:

- تمرین و تجربه دموکراسی
- تصمیم‌گیری بر اساس خرد جمعی
- احترام به آراء و اندیشه‌های دیگران
- تأمل نقد نظریات و آراء خود از سوی دیگران
- افزایش آگاهی مردم از مسایل سیاسی و اجتماعی به دلیل ارتباط مستمر با نمایندگان

با مردم

- افزایش ارتقاء تصمیمات و سیاستگذاری‌ها
- ایجاد پیوند بین مسایل ملی، منطقه‌ای و محلی
- ایجاد زمینه‌ای برای پرورش نخبگان سیاسی
- افزایش اهمیت مشورت
- برجسته شدن اهمیت حزب و ائتلاف

- توجه به خواسته‌ها و انتظارات مردم
- بیانگر برابری همه مردم، اقوام و نژادها
- ورود انتظارات و مطلوبیت‌های مناطق مختلف کشور به سیستم و ساختار مرکزی؛ افزایش تعامل مرکز با مناطق مختلف کشور
- توجه به حقوق و مسایل محلی در عین توجه به مسایل کلان داخلی و بین‌المللی؛ ایجاد سازگاری بین موضوعات محلی، ملی و بین‌المللی

چالش‌های پیش روی مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی در طول انقلاب اسلامی یکی از مفیدترین و کارآمدترین نهادها بوده است، ولی با این حال با موانع و مشکلاتی نیز روبرو بوده است که متأسفانه برخی از این چالش‌ها، برخی فایده‌مندی‌های مجلس را تحت الشعاع خود قرار داده است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- ۱- کاهش نقش مجلس در اکثر کشورهای دنیا و برجسته شدن قوه مجریه
- ۲- مشکلات قانونگذاری در تاریخ ایران و فقدان تجربه دموکراسی در ایران
- ۳- کامل نبودن حاکمیت قانون و ضعف اعمال قانون در جامعه
- ۴- گرتنه بردای ناقص از قوانین کشورهای غربی و عدم انطباق این قوانین با شرایط دینی و ملی در برخی موارد

کلی

چالش‌های پیش‌روی
مجلس شورای اسلامی

جزیی

- ۱- عدم درک تحولات سریع جهانی و داخلی از سوی برخی نمایندگان مجلس
- ۲- فقدان اطلاعات صحیح و جامع از برخی مسائل کشور
- ۳- عدم کار کارشناسی مناسب در مورد برخی قوانین
- ۴- کمبود قوانین در برخی مسایل از جمله اینترنت، تجارت الکترونیکی
- ۵- طولانی شدن تصویب برخی قوانین
- ۶- حجم بالای طرح‌ها و لوایح
- ۷- عدم اعطای اختیارات بیشتر به کمیسیون‌ها
- ۸- عدم وجود یک تنقیح قوانین (بررسی و جمع‌بندی قوانین در هر موضوع، منسوخ شدن قوانین گذشته و چرایی تصویب قوانین جدید در باب همان موضوع و ...)

اهمیت مجلس

مجلس مهمترین خواست و آرمان مردم ایران در انقلاب مشروطه بود، چرا که مجلس نماد دموکراسی، حاکمیت مردم، توجه به آراء و افکار مردم، گردش نخبگان، توزیع قدرت در جامعه و نهادهای مدنی، کاهش استبداد، عبور از فردمحوری به جمع محوری، توجه به خرد جمعی و ... تلقی می‌شد. چنانکه در قانون اساسی مجلس به عنوان نماینده کل مردم، قدرت زیادی پیدا کرد.

این نهاد، مسئول ارایه هرگونه پیشنهادی برای رفاه حال مردم و بهبودی دولت و مرجع نهایی تصمیم‌گیری درباره کلیه قوانین، مقررات، بودجه، قراردادهای، وام‌ها، انحصارات و امتیازات بود. در واقع مجلس، مرکز و کانون تصمیمات و سیاستگذاری‌های کشور شد. به عبارت دیگر، مجلس با اتخاذ قوانین، چارچوب‌ها و ساختار استراتژی‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... نقش عمده‌ای بر عهده گرفت. از سوی دیگر با توجه به حاکمیت قانون در کشور و اداره کشور بر مبنای قوانین مجلس، مجلس شورای ملی هم وظیفه تأسیسی و هم نظارتی جهت تحقق قانون را بر عهده گرفت. در مجموع مجلس از ابعاد مختلف ماهیتی وجودی، اجتماعی، سیاسی و ... نهاد مسئول قانونگذاری و تصمیم‌گیری جهت مدیریت کشور شد. اما مجلس شورای ملی از انقلاب مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی با موانع و مشکلات عدیده‌ای مواجه بود و به همین دلیل فاقد پتانسیل کافی برای تحقق فلسفه وجودی خود بود. نتیجه آنکه گرچه مجلس شورای ملی به عنوان نهاد قانونگذاری، قوانین مختلفی در طول حیات خود اتخاذ کرد، ولی بیشتر تحت نفوذ و سلطه نیروهای بیرونی از جمله دربار و افراد بانفوذ همچون اسدآ... علم و همچنین نیروهای خارجی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی برخلاف مجالس دوره پهلوی، ضمن حفظ استقلال خود با ایجاد رابطه و تعامل مثبت با دیگر نهادهای کشور و همچنین در نظر گرفتن مصالح و مقتضیات داخلی و خارجی به ارایه قوانین لازم پرداخته است.

دوران‌های تاریخی و قوانین مجلس

قوانین مهم	شرایط و مقتضیات و عناصر دخیل در تصمیم‌گیری‌ها	۱۳۵۷ تاکنون
<ul style="list-style-type: none"> - قانون دیوان عدالت اداری - اساسنامه سپاه پاسداران - رأی به بی‌کفایتی بنی‌صدر برای ریاست جمهوری - سرمایه‌گذاری خارجی - بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای - قانون شوراها - بیمه بیکاری - نهضت سوادآموزی - وزارت جهاد سازندگی 	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری مردم‌سالاری دینی - رهایی از سلطه استعمارگران - برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی - شکل‌گیری ائتلاف‌ها و فراکسیون‌های مختلف در مجلس شورای اسلامی - حضور نیروها و نخبگان مردمی در مجلس - عدم دخالت دولت و دیگر نهادها در تصمیمات مجلس یا به عبارت دیگر شکل‌گیری مجلس مستقل ضمن همکاری با دولت - تعامل نزدیک و مستمر مجلس با مردم و جامعه - توجه مجلس به مصالح ملت و مقتضیات و شرایط جدید - عدم وابستگی نمایندگان به افراد و گروه‌های خاص 	<p>دوره جمهوری اسلامی؛ مجلس مستقل و مردمی</p>

دوران‌ها	ویژگی‌ها و خصوصیات	تصمیمات و قوانین مهم
۱۳۰۴-۱۲۸۵ دوره گذار	<ul style="list-style-type: none"> - تشکیل مجلس نوین در کشور - انتقال قدرت از دربار به مجلس - فقدان تجربه قانونگذاری در کشور - بی‌ثباتی و ناامنی در کشور - مجلس و نمایندگان در معرض حمله نیروهای داخلی و خارجی - تفکیک قوا - مجلس، مرکز و کانون قانونگذاری 	<ul style="list-style-type: none"> - مجلس نهاد اصلی ارایه مجوز برای بهره‌گیری از کارشناسان و عقد قرارداد با شرکت‌ها و دولت‌ها خارجی - تدوین نظامنامه انتخاباتی - قانون بلدیه - قانون مطبوعات
۱۳۲۰-۱۳۰۴ دوره سلطه رضا خانی	<ul style="list-style-type: none"> - مجلس آلت دست رضاخان - برگزاری انتخابات فرمایشی - وابستگی نمایندگان به دربار - تمرکز منابع در اختیار دولت - عدم وجود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی - مجلس نهادی برای وجهه قانونی بخشیدن به دستور رضاخان 	<ul style="list-style-type: none"> - قانون سجل و ثبت اسناد و املاک - تشکیل ارتش مدرن با اجباری کردن سربازی - تأسیس دانشگاه - تدوین قانون مدنی - تصویب قرارداد داریسی - تفسیر از قانون اساسی در جهت مشروعیت بخشیدن به همسر غیرایرانی محمدرضا پهلوی
۱۳۳۲-۱۳۲۰ دوره قدرت عناصر مختلف داخلی و خارجی در کشور	<ul style="list-style-type: none"> - حضور نیروهای متفق در ایران - افزایش قدرت برخی نیروهای سیاسی - کاهش قدرت دربار - افزایش نفوذ برخی شخصیت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها - همچون قوام و مصدق - بی‌ثباتی سیاسی در کشور - تنش شدید بین دولت و مجلس - تشکیل مجلس سنا و افزایش قدرت پهلوی 	<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی - ملی شدن صنعت نفت - حق محمدرضا پهلوی برای انحلال مجلس (بر اساس قانون مجلس سنا)
۱۳۵۷-۱۳۲۰ دوره حکومت مطلقه محمدرضا پهلوی	<ul style="list-style-type: none"> - مجلس به طور کامل در اختیار نظام پهلوی - دولت رانتیر (تحصیلدار)؛ استقلال دولت از جامعه - نابودی مخالفان و منتقدین نظام پهلوی - برگزاری انتخابات فرمایشی - وابستگی نمایندگان مجلس به نظام پهلوی و دیگر مسئولین و افراد بانفوذ - پایگاه اشراف‌مآبانه و بالای اکثر نمایندگان مجلس - وابستگی برخی نمایندگان به کشورهای استعمارگر از جمله آمریکا و انگلستان 	<ul style="list-style-type: none"> - تصویب قرارداد کنسرسیوم نفتی - تصویب کلیات (مقدمات) طرح اصلاحات ارضی - سپاه دانش - اعطای کاپیتولاسیون به نیروهای آمریکایی - تغییر در نحوه تشکیل مجلس موسسان - تصویب جدایی بحرین از ایران - تشکیل ساواک

مجلس و توسعه

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان خانه ملت از اهمیت قابل توجهی نزد مردم برخوردار است و جایگاه ویژه‌ای نیز در قانون اساسی کشورمان دارد، به طوری که محور قانون گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قوانین وضع شده است. به تناسب اهمیت و جایگاه آن، انتظارات بسیاری از مجلس شورای اسلامی نیز برای راهبری و هدایت دولت از طریق قانون گذاری مترقی و تنفیح قوانین و حل مسائل و مشکلات پیش روی کشور و نظارت موثر بر اجرای قوانین، وجود دارد. بی شک در شرایط کنونی، کشور نیازمند مجلسی است که نمایندگان آن آگاه به مسائل و مشکلات پیش روی کشور (در حوزه داخلی و بین المللی) باشند و وامدار هیچ گروه یا جریانی نبوده و تنها به تأمین حداکثری منافع مردم اهتمام ورزند. قطعاً در این راه نمایندگان باید با سرلوحه قراردادن منافع ملی کشور، نسبت به انجام وظایف قانونی خود در حوزه قانون گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قوانین به صورت اثربخش عمل کنند و در مقابل وظایف خود پاسخگو بوده و با کاستن از کمیت مصوبات، بیشتر بر کیفیت و اثرات سازنده آنها توجه کنند تا سبب پیشرفت کشور و رفع مشکلات مردم شوند. همان طور که پیش تر به آن اشاره شد، با توجه به تحریم های آمریکا و محدودیت ایجاد شده در حوزه های مختلف اقتصادی، کشور با مسائل مهمی از قبیل رکود، تورم، کمبود منابع مالی ارزان، روند رو به رشد نقدینگی، نرخ بالای بیکاری و... مواجه است. علاوه بر این، انباشت قوانین و تعارض و ابهام در آنها، یکی از معضلات و مشکلات اجرای قانون در کشور است که ضمن شفاف سازی، نیازمند تنفیح قوانین است. انتظار می رود مجلس یازدهم در راستای بهبود فضای کسب و کار و برای افزایش سرمایه گذاری در فعالیتهای مولد اقتصادی و تولیدات صادرات محور با رویکرد تعاملی و مشورت با صاحبان کسب و کارها و اتاق های بازرگانی (به عنوان مشاور قوای سه گانه) ضمن در اولویت قرار دادن اصلاح قوانین مادر از جمله قانون تجارت، قانون اصلاح نظام بانکی و سایر قوانین تاثیر گذار بر اصلاح نظام اقتصادی کشور و نظارت بر اجرای صحیح آنها، نسبت به فراهم کردن شرایط بهتر اقتصادی و رفع مشکلات پیش رو گام بردارد و با مهیا کردن هرچه بیشتر بستر توسعه بخش خصوصی، موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود. (ارگون. دنیای اقتصاد. ۱۳۹۸/۱۱/۱۴)

بررسی و تصویب برنامه های پنج ساله توسعه که به صورت مشخص با هدف دستیابی به توسعه کشور تدوین و اجرا می گردند در کنار تدوین و تصویب بودجه دولت و بسیاری از قوانین مرتبط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنها یکی از مسئولیتهای محوری مجلس در حوزه قانون گذاری است که مستقیماً در راستای توسعه پایدار صورت می پذیرد. همچنین به موجب اصل هفتاد و ششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد»

و از این رو قادر است، هرگونه بررسی و ممیزی در کارهای کشور انجام دهد. مطابق قانون اساسی، علاوه بر این ویژگی‌های عام، تصمیم‌گیری در خصوص برخی مسائل کشور نیز در انحصار مجلس شورای اسلامی است. به عنوان مثال تصویب و یا عدم تصویب، گرفتن و اعطای وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی، امضای عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی صرفاً در حوزه اختیارات مجلس قرار دارند. یکی دیگر از عوامل مؤثر در نقش‌آفرینی مجلس شورای اسلامی در توسعه کشور، پیگیری و بررسی کارشناسی مسائل مختلف کشور توسط کمیسیون‌های چهارده‌گانه مجلس در حوزه‌های صنایع معادن، اقتصادی، برنامه و بودجه، عمران، انرژی، کشاورزی، آب و منابع طبیعی، بهداشت و درمان، امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیته‌های تخصصی است که موجبات افزایش کارایی و اثربخشی تصمیمات کلان کشور را فراهم می‌نمایند. همچنین مجلس و البته تک تک نمایندگان آن می‌توانند از طرق متعدد نظر خود و البته موکلینشان را در خصوص مسائل مختلف کشور اعلام نمایند که بدون شک موضوعات مرتبط با توسعه کشور، اهم این موارد را تشکیل می‌دهند. نشر این نظرات غالباً و به تبع این واقعیت که مجلس شورای اسلامی یکی از منابع اصلی تصمیم‌گیری کشور است، ملاک واکنش و منشاء اثر قرار می‌گیرد. ملاقات دائمی نمایندگان مردم با مقامات و دولتمردان کشور و مذاکرات مستقیم آنها با یکدیگر نیز امکان طرح و پیگیری مستمر مطالبات توسعه‌ای مردم و موکلین آنها را فراهم می‌نماید.

مجلس و سیاست‌های توسعه

جایگاه قانون‌گذاری، نظارت و اختیارات گسترده نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در واقع تضمینی برای طراحی و پیاده‌سازی فعالانه قوانین و سیاست است که به ارتقاء سیستم‌های آموزشی، فقرزدایی، حفظ محیط‌زیست و بسیاری موارد دیگر می‌انجامد، بدون شک، تصویب و اجرای هر یک از این دست قوانین و راهبردها به شکلی وسیع و قابل توجه در جلوگیری از بروز بحران‌ها و همچنین شکل‌گیری فرایندهای بازسازی نقش قابل توجهی داشته و به ترفیع حقوق انسانی شهروندان و توسعه سرمایه انسانی منتج می‌شود و هر یک به تنهایی در ردیف الزامات توسعه قرار می‌گیرد. با این وصف، تعریف و تفسیر مأموریت مجلس ایده آل با وظایف تعیین‌کننده نظارت، قانون‌گذاری و پیگیری مطالبات مردم یک شهر یا منطقه، تقلیل گرایانه و حتی تنگ‌نظرانه به نظر می‌رسد و باید این وظایف ذاتی مجلس را با نگاهی وسیع‌تر به عنوان ابزاری به شمار آورد که آن را به عنوان نهادی پویا، مردمی، قدرتمند و سازنده قادر می‌سازد تا نقشی اساسی در توسعه کشورهای مردم‌سالار به طور عام و جمهوری اسلامی ایران به طور خاص ایفاء نماید. البته بدیهی است که مجلس شورای اسلامی نیز همچنین هر نهاد دیگری با

محدودیت‌هایی در ایفای نقش خود مواجه است. اصل برتری قانون اساسی (ضرورت انطباق قوانین فرودست با فرادست)، محدودیت‌های ساختاری (با توجه به مناسبات آن با سایر قوا)، صلاحیت اختصاصی مراجع دیگر برای وضع قانون (شوراهای اسلامی شهر، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی) و محدودیت ذاتی اختیارات مجلس در وضع قانون (لزوم اسلامی بودن قوانین و مقررات و کنترل آنها توسط شورای نگهبان قانون اساسی) بخشی از این موارد به شمار می‌روند. (حسینی، ۱۳۹۱) لیکن هیچ یک از این محدودیت‌های طبیعی را نمی‌توان مانع ایفای نقش مؤثر مجلس شورای اسلامی در راستای دستیابی به توسعه پایدار دانست. در این یادداشت سعی می‌گردد تا برخی مسئولیت‌های مجلس شورای اسلامی و انتظارات ذی‌ربط که ارتباطی وثیق با کیفیت و کمیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای کشور دارد، به اختصار تبیین گردند. مسئولیت‌هایی که پیشرفت و توسعه کشور بدون توجه به آنها غیرممکن به نظر می‌رسد.

مجلس و سیاست‌های فقرزدایی و توسعه‌ای

مجلس، نهادی مهم در توجه کارشناسی به موضوعات مرتبط با توسعه پایدار همچون فقر و فقرزدایی، اصلاح سیستم‌های سلامت و بهداشت حاکم، رفع هرگونه تبعیض اجتماعی، توسعه آموزش و پایداری زیست‌محیطی به شمار می‌رود و از همین روست که بسیاری از کارشناسان وجود مجلسی مقتدر را برای طی فرایند توسعه به عنوان امری ضروری مطرح می‌سازند. چنین مجلسی از اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و برنامه‌های توسعه‌ای حمایت خواهد نمود زیرا که دستیابی به آنها موکلینش را به‌صورتی پایدار و در جهت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مفهوم خاص‌تر، وظیفه نمایندگی وکلای ملت در مجلس ایجاب می‌کند تا اطمینان حاصل نمایند که دیدگاه گروه‌های مختلف مردم به عنوان موکلین آنها در قانون‌گذاری و بودجه دولت به عنوان چارچوب حقوقی و قانونی اولویت‌های توسعه‌ای حاکمیت، لحاظ می‌گردد. البته طبیعی است که این امر باید با در نظر گرفتن این مهم پیگیری شود که برنامه‌های توسعه بالاترین تناسب و تأثیرگذاری را در سطح ملی داشته باشند. همچنین با توجه به ارتباط گسترده نمایندگان مجلس با اقشار مختلف مردم، نقش فعال‌تر مجلس، مشارکت اجتماعی وسیع و گسترده‌تری را در برنامه‌ریزی برای کاهش و زدودن چهره فقر از کشور و سایر برنامه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی موجب می‌گردد.

مجلس و کیفیت عملیاتی نمودن بودجه دولت

مجلس در مرکز چرخه پاسخگویی کشور می‌باشد. تجربه نشان داده است که ویژگی‌های منابع اصلی و البته آسان تأمین بودجه دولت ایران (صادرات محصولات فسیلی، انتشار اوراق قرضه

استقراض از بانک مرکزی، کشورهای خارجی و یا نهادهای بین‌المللی) و نحوه هزینه کرد آن در راستای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، بدون شفافیت کامل و نظارت نهادی همچون مجلس، می‌تواند احساس نیاز به پاسخگویی دولتمردان را به شدت کاهش دهد. امری که ضمن کاهش کارایی و اثربخشی مخارج دولت، زمینه‌ساز فسادهای گسترده‌ای نیز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پارلمان بیانگر تحقق عینی گفتمان احترام به آراء و عقاید مردم، گذار از استبداد به دموکراسی، حاکمیت تفکیک قوا، ورود مردم به عرصه تصمیم‌گیری، بالا رفتن شعور سیاسی مردم و ... می‌باشد. در یک نگرش دینی مقوله مجلس و مشورت در آموزه‌های الهی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. اما نهاد مجلس به صورت کنونی و نهاد قانونگذار بیشتر در اندیشه سیاسی غرب و از تحولات سیاسی مغرب زمین به وجود آمد. تاریخ مجلس به دولت-شهرهای یونان باستان بازمی‌گردد. گرچه کارکرد و عملکرد کنونی را نداشت اما از سده‌های شانزدهم به بعد، با توجه به اندیشه‌های تفکیک قوا و دموکراسی، مجالس کنونی ایجاد شد.

در جهان امروز، نهاد مجلس و قانونگذاری یک امر لازم برای همه مردم و جوامع شناخته می‌شود. مقوله‌ای که در چند سده پیش کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. از زمانی که مسئله جلوگیری از استبداد و ایجاد حکومت‌های مردمی و به طور کلی حاکمیت مردم، توجه به خرد جمعی، اداره کشور بر مبنای قانون، جدایی مجریان از قانونگذاران و ... مورد توجه جامعه متفکران قرار گرفت، لزوم ایجاد مجلس نیز پدیدار گشت. در واقع نهاد مجلس بیانگر انتقال از استبداد به دموکراسی، از خردگرایی به جمع‌گرایی، از یکپارچگی اداره کشور به انفکاک در مدیریت کشور، از بی‌قانون به قانونگرایی، از بی‌مسئولیتی به مسئولیت‌پذیری حاکمان و ... می‌باشد. نمایندگان مجلس مظهر اراده عمومی و حاکمیت مردم و رکن اصلی قوه مقننه به شمار می‌روند. بدیهی است که انتخابات مجلس به‌خصوص انتخابات ملی از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

تحلیلگران رفتار انتخاباتی تاکنون در مجموع از سه الگوی جامعه شناختی سیاسی، اقتصاد سیاسی و روانشناسی سیاسی و نیز هفت دیدگاه کارکردگرایی، مبادله، انتخاب عاقلانه، دیدگاه انتخاب عاقلانه اصلاح شده، مکتب مطالعاتی شیکاگو، دیدگاه شناختی و دیدگاه اینگلههارت در بررسی رفتار رأی دهی شهروندان بهره گرفته‌اند. این دیدگاه‌ها آنچنان که در جداول شماره آمده هریک به نوعی بر ۱- محاسبه منافع رأی دادن، ۲- آگاهی سیاسی ۳- تبلیغات کاندیداها و گروه‌های سیاسی ۴- ابراز خود و احساس کارآمدی اجتماعی و سیاسی ۵- تجربه انباشته سیاسی گذشته، ویژگی‌های شخصی ۶- طرحواره افراد از نظام سیاسی و عناصر آن و ۷- پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد به عنوان عواملی که رفتار رأی دهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند تأکید می‌کنند.

اما به غیر از متغیرهایی که این دیدگاه‌ها بر تأثیرگذاری آنها تأکید می‌کنند، متغیرهای دیگری نیز وجود دارد که دیدگاه‌های فوق به دلیل ساخته و پرداخته شدن در محیط غربی نسبت به آنها بی توجه هستند. در همه دموکراسی‌های نوپا، میزان مشروعیت نظام سیاسی متغیری است که بر رفتار رأی دهی بسیار تأثیر می‌گذارد. همچنین در همه دیدگاه‌های بیان شده، تأثیر فشار هنجاری ناشی از مشارکت یا عدم مشارکت گسترده دیگران در انتخابات لحاظ نشده است. از همین رو لازم است تا این فشار هنجاری نیز در بین متغیرهای دیگر لحاظ و تأثیر آن بر رأی دادن بررسی شود. رفتار انتخاباتی نوعی کنش سیاسی است که با کارکردهای ساختی خرده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان نظام رابطه دارد. این رفتار به علاوه در سطح خرد نظام با وضعیت ارگانیزم رفتاری، شخصیت، اجتماع و الگوهای رفتاری آن ارتباط می‌یابد. بالاخره چنین رفتاری در سطح میانه نظام اجتماعی با شرایط تکنولوژیک، بوروکراتیک، آموزشی و نمادین سازمان اجتماعی مرتبط می‌شود. در این میان اگر جامعه را نظامی اجتماعی بدانیم که بر حسب اصل تفکیک‌پذیری ساختی به ارایه کارکردهای خود می‌پردازد و اجتماع را آن نوع از نظام اجتماعی تلقی کنیم که طبق اصل ادغام‌پذیری ساختی، کارکردهای خود را به منصفه ظهور می‌رساند؛ در این صورت می‌توان به تنوع رفتار انتخاباتی در دو قالب فوق حکم کرد. جنبه‌های مختلفی در مطالعه رفتار انتخاباتی همچون نفس شرکت در انتخابات، نوع احزاب و کاندیداهایی که فرد تمایل دارد به آنان رأی دهد، شخصیت کاندیداها و تأثیر آن بر نگرش انتخاباتی شهروندان، چگونگی کسب اطلاعات و میزان آن و نحوه تصمیم‌گیری در جریان انتخابات قابل تأمل است.

مجلس مسئول تهیه نرم‌افزار مدیریت کشور است. قوانین مورد نیاز را تصویب و بر اجرای آن نظارت می‌کند. تحقق اهداف بدون نظارت ممکن نیست برای اینکه به رشد اقتصادی مطلوب پیش‌بینی شده در چشم‌انداز برسیم بایستی ساز و کار قانونی آن و کنترل و نظارتش را تنظیم کنیم چرا که رشد و توسعه بدون تامین زیرساخت‌های آن و نظارت شایسته مقدور نیست. مطالعات انجام شده در خصوص شناسایی رابطه متقابل میان «رشد و توسعه اقتصادی» و «تهادها و حاکمیت قانون» دلالت بر آن دارند که حضور «تهادها با کیفیت» در جامعه و نیز وجود کارآیی در اعمال «حاکمیت قانون» و به تبع آن تضمین «امنیت در حقوق مالکیت خصوصی» - به عنوان یکی از اجزای انکارناپذیر حاکمیت قانون - بر رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است. این اثرگذاری عمدتاً از طریق تحریک انگیزه‌های اقتصادی و ایجاد بهبود در شرایط کارآفرینی، افزایش سطوح سرمایه‌گذاری، ارتقای سطح رفاه و گسترش سطح رقابت‌پذیری جهانی تحقق پذیرفته و در نهایت در قالب بهبود شاخص درآمد سرانه و نیز ارتقای معیارهای رفاهی منعکس می‌شود. اگر

محیط کسب و کار را متشکل از عواملی بدانیم که در مدیریت بنگاه‌ها موثرند، اما خارج از کنترل بنگاه‌ها قرار دارند، «قوانین و مقررات» در جایگاه مهمترین عوامل در محیط کسب و کار قابل ارزیابی‌اند. در حقیقت، کسب و کارها برای فعالیت و ادامه حیات، نیاز به پیش‌نیازها و ضرورت‌های مختلف دارند. یکی از مهمترین این الزامات، بستر حقوقی-قضایی مناسب است که این مهم در قالب تحقق حاکمیت قانون قابل تجلی است. برقراری حاکمیت قانون، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را در پی دارد. یکی از مزایای استقرار حاکمیت قانون در محیط اقتصادی، قابلیت پیش‌بینی شرایط توسط شهروندان و فعالان اقتصادی و برنامه‌ریزی بر اساس پیش‌بینی‌های معقول است. در واقع یکی از مهمترین دستاوردهای التزام به حاکمیت قانون، امکان پیش‌بینی و معقول بودن هزینه‌های مبادله برای شهروندان به ویژه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران است. از دیگر پیامدهای اقتصادی مهم منتج از برقراری حاکمیت قانون، فراهم شدن زمینه برای رقابت برابر اقتصادی است. طیف دیگری از پیامدهای اقتصادی حاکمیت قانون نیز به تاثیر حاکمیت قانون بر اعمال موثر سیاست‌ها و ابزارهای نظارتی و کنترلی در امور مالی دولت و بخش خصوصی و کاهش فساد مالی مربوط است. از سوی دیگر پیامدهای اقتصادی حضور قانون و حاکمیت آن، (از مجرای حقوق مالکیت) در «سرمایه‌گذاری» و «کارآفرینی» نیز قابل ارزیابی است. نظام قانونی مالکیت، از طریق کاهش هزینه معاملات و تسهیل گسترش اعتبارات، نقش مهمی در فرآیند توسعه اقتصادی بازی می‌کند. بنابراین میزان تضمین و حمایت از حقوق مالکیت در برابر تعدی دولت و دیگر افراد، مولفه‌ای به شدت تاثیرگذار در کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی است. لذا مالکیت خصوصی و صیانت از آن، جزء لاینفک تحلیل تاثیرات حاکمیت قانون در توسعه و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود. با توجه به پیوند ناگسستنی میان کارآفرینی، رشد و توسعه اقتصادی و نیز با در نظر گرفتن تجارب سایر کشورها به نظر می‌رسد مجلس می‌تواند با ایجاد ظرفیت نهادی و مهیا ساختن محیطی که حامی و به نفع کارآفرینی کارآمد باشد وارد گود معادلات اقتصادی شده و به عنوان نقطه شروع اصلاحات بجای در کنار فعالان اقتصادی قرار گیرد.

منابع فارسی

کتاب

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی
- اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲)، به کوشش بهمن احمدی امویی، تهران، گام نو
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۰)، پارادوکس‌های سیاست در ایران امروز، تهران انتشارات باز
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ج.ا.ا، تهران، نگاه معاصر
- (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی
- (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر علوم نوین
- (۱۳۸۴)، گذار به دموکراسی، تهران، نگاه معاصر
- (مجموعه مقالات). (۱۳۷۸)، به اهتمام دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران، همشهری
- خواجه سروی، ابراهیم (۱۳۸۲)، ثبات سیاسی و رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- دایره‌المعارف اسلامی، دموکراسی (۱۳۸۳)، زیر نظر مارتین لیپست (سه جلد)، سرپرستاران ترجمه فارسی: کامران فانی و نورا... مرادی (تهران: وزارت امور خارجه)
- سیف، احمد، اقتصاد سیاسی ایران (اقتصاد دولت مهریزی)، دفتر سوم، تهران، بی تا
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، نشر دادگستر
- نوذری حسینعلی (۱۳۸۱)، احزاب سیاسی و نظام حزبی، تهران، نشر گستره

مقالات

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، انقلاب آرام، رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴، بهار و تابستان
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران؛ موانع و چالش‌های نفت ایران، مجله بررسی مسائل اقتصاد نفت ایران، شماره ۲، تابستان
- شمسنینی غیاثوند، حسن، مجلس و ائتلاف‌هایش، مجله علوم انسانی، بی تا